

تحلیل گویش سنجی اصطلاحات خویشاوندی در برخی استان‌های فارسی زبان ایران

آتوسا رستم‌بیک نفرشی^۱ (استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۹/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴، تاریخ انتشار: ۱۴۰۱

چکیده: اصطلاحات خویشاوندی از دیرباز برای مردم‌شناسان از بعد روابط و تعاملات اجتماعی و برای زبان‌شناسان از بعد ساختاری، رده‌شناختی و تاریخی اهمیت داشته‌اند. در این پژوهش با به‌کارگیری روش‌های گویش‌سنجی (سگای، ۱۹۷۳) شامل ماتریس فاصله، نقشه‌های مقیاس چندوجهی، خوشه‌ای و دندروگرام، شباهت‌ها و تفاوت‌های ۷۰۴ نمونه اصطلاح خویشاوندی مربوط به ۳۲ روستای استان‌های یزد، همدان، شیراز، کرمان و اصفهان تحلیل و گونه‌های زبانی خوشه‌بندی می‌شوند و فاصله‌شان با یکدیگر و با فارسی معیار اندازه‌گیری و ناحیه‌های زبانی شناسایی می‌گردند. ابزار تحلیل رایانشی نرم‌افزار گب‌مپ (نریون و همکاران، ۲۰۱۱) است. بر مبنای نتایج، کم‌ترین تنوع در اصطلاحات وام‌گرفته شده از زبان عربی شامل عروس، عمو، خاله و عمه دیده می‌شود. بیشتر تفاوت‌ها بین گونه‌های زبانی تلفظی است و نه واژگانی. در خوشه‌بندی بر مبنای ۱۰ گروه، بیشترین تنوع در گونه‌های استان اصفهان دیده می‌شود. فاصله گویشی بین گونه‌های استان کرمان کم است، به‌غیر از گونه‌ای در جیرفت که به گونه‌های استان همدان نزدیک است؛ وجود اقوام لر و لک در هر دو منطقه می‌تواند از دلایل این شباهت باشد. گونه‌های استان همدان نیز یک خوشه زبانی تشکیل می‌دهند؛ به‌غیر از یک گونه که به فارسی معیار نزدیک‌تر است. بزرگترین خوشه زبانی گونه‌هایی در استان‌های کرمان، فارس، یزد (نزدیک نواحی مرزی) و گونه‌های غربی و جنوب غربی

1. A.rostambeik@ihcs.ac.ir

استان اصفهان در مرز فارس را شامل می‌شود. به عبارتی، در نواحی مرزی بین این استان‌ها شاهد پیوستار گویشی هستیم. گونه‌هایی در اصفهان، همدان و یزد کم‌ترین فاصله با فارسی معیار را دارند. کشه و تل‌آباد در استان اصفهان که احتمالاً به گویش راجی و اردستانی از گونه‌های فلات مرکزی نزدیک‌اند، با هیچ گونه‌ای خوشه‌بندی نشده‌اند و جزیره گویشی به‌شمار می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: اصطلاحات خویشاوندی، گویش سنجی، فارسی، پیوستار گویشی، خوشه‌بندی.

۱ مقدمه

مطالعه اصطلاحات خویشاوندی در جوامع زبانی مختلف از موضوعات مورد توجه زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و قوم‌شناسی است. همان‌طور که وارداف^۱ (۲۰۰۵: ۶) بیان کرده است، هریک از ما هویتی، یا شاید به‌طور دقیق‌تر مجموعه‌ای از هویت‌ها، را داریم. این هویت ساخته تعامل ما با دیگران و همان برداشتی از خود است که به آن دست یافته‌ایم و نتیجه اجتماعی شدنمان و تعارب ما از دنیای بیرون است. عوامل بسیاری ممکن است درک ما از خود را تحت تأثیر قرار دهند: نژاد، قومیت، جنسیت، مذهب، شغل، مکان فیزیکی، طبقه اجتماعی، روابط خویشاوندی و... یکی از کاربردهای زبان در زندگی روزمره، ارجاع به انواع روابط خویشاوندی است و همین امر موجب شده است که پیشینه مطالعه در حوزه اصطلاحات خویشاوندی بسیار غنی باشد. منظور از اصطلاحات خویشاوندی شیوه‌ای است که مردم نقاط مختلف دنیا برای ارجاع به اقوام یا اجدادشان و نیز روابط حاصل از ازدواج استفاده می‌کنند. نظام‌های خویشاوندی از ویژگی‌های جهانی زبان‌ها به‌شمار می‌رود، همان‌طور که خویشاوندی نیز در نهاد اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برخی از نظام‌های خویشاوندی غنی‌تر از دیگری هستند ولی در سازمان‌بندی همه نظام‌ها از عواملی مانند جنسیت، سن، نسل، خون و ازدواج استفاده شده است (همان: ۲۲۹). در پژوهش‌های پیمایشی گویش‌شناسی جغرافیایی اغلب از پرسشنامه‌هایی برای گردآوری داده استفاده می‌شده است که بر مبنای حوزه‌های معنایی تنظیم شده بودند (نگاه کنید به چمبرز^۲ و ترادگیل^۳، ۱۹۹۸: ۲۲). این حوزه‌های معنایی در پژوهش‌های انگلیسی و آمریکایی فنون کشاورزی، گیاهان و جانوران، آب و هوا، فعالیت‌های اجتماعی، روابط خویشاوندی و... را دربرمی‌گرفته است. در ایران نیز، پرسشنامه‌های گردآوری داده‌های گویشی اغلب بر همین مبنا تنظیم شده‌اند و یکی از حوزه‌های معنایی مورد توجه‌شان، اصطلاحات خویشاوندی است. یکی از قدیمی‌ترین مطالعات منسجم در این حوزه را ویلیام جونز^۴ انجام داده است. وی اصطلاحات خویشاوندی زبان آلمانی از سال ۷۵۰ تا ۱۵۰۰

1. R. Wardhaugh

2. J. K. Chambers

3. P. Trudgill

4. W. J. Jones

میلادی را ثبت و تحلیل کرد و در سال ۱۹۹۰ در قالب کتابی به چاپ رساند. جونز (۲۰۱۱: ۱) نیز ضمن اشاره به اهمیت مطالعه اصطلاحات خویشاندی از گذشته تا حال، به این نکته اشاره کرده است که این اصطلاحات در زبان‌های مختلف تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهند و زبان‌شناسان و مردم‌شناسان نیز از زوایای مختلف این موضوع را بررسی کرده‌اند. مطالعه اصطلاحات خویشاوندی به‌ندرت با انگیزه‌های صرفاً زبان‌شناختی صورت می‌گرفته و این حوزه به‌نوعی از موضوعات مورد توجه در حوزه اجتماعی و معنایی مردم‌شناسی بوده است (همان: ۱ به نقل از ماراندا^۱، ۱۹۷۴: ۱۲). اما واقعیت این است که این نوع نگرش نسبت به اصطلاحات خویشاوندی و صرف بررسی این اصطلاحات به‌عنوان برچسب‌هایی برای روابط اجتماعی دور از واقعیت است. زیرا از یک سو نمی‌توان روابط پیچیده اجتماعی را به مطالعه برچسب‌های نام‌گذاری روابط محدود کرد و از سوی دیگر نمی‌توان از اهمیت تاریخی و ساختاری این اصطلاحات از منظر زبان‌شناسی چشم پوشید. اصطلاحات خویشاوندی در جوامع مختلف بسیار گزینشی عمل می‌کند؛ به این معنی که هر زبانی ممکن است گستره مشخصی از روابط را با استفاده از این اصطلاحات نام‌گذاری کند. بررسی رده‌شناختی اصطلاحات خویشاوندی می‌تواند نشان‌دهنده ساختارهای اجتماعی، تحول زبان‌شناختی و اجتماعی، روابط تاریخی-ژنتیکی بین جوامع و زبان‌هایشان باشد (نگاه کنید به جونز، ۲۰۱۱: ۳). برخی از پژوهش‌های ایرانی و غیرایرانی در این حوزه در ادامه معرفی می‌شوند.

پرازپراثرسینت^۲ (۲۰۰۱) ساختار اصطلاحات خویشاوندی در زبان تایلندی را بررسی کرده است. وی ضمن بیان اینکه برخلاف تصور اصطلاحات خویشاوندی در زبان‌های گوناگون چندان هم به هم شبیه نیستند، به برخی از تفاوت‌های اصطلاحات خویشاوندی تایلندی با انگلیسی پرداخته است. وی اصطلاحات خویشاوندی را به دو دسته پایه و غیر پایه تقسیم کرده است. اصطلاحات پایه که اغلب تک‌کلمه‌ای هستند به روابط خویشاوندی نسبی مربوط‌اند. اصطلاحات غیر پایه به روابطی مربوط هستند که در نتیجه ازدواج شکل می‌گیرند. پُستما^۳ (۲۰۱۷) اصطلاحات خویشاوندی در گویش‌های هلندی را از منظر نشانه مالکیت بررسی کرده است. به این منظور، وی به ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی و صرفی تکواژ مالکیت پرداخته است. تریونفرا^۴ (۲۰۱۸) ساختار واژ-نحوی اصطلاحات خویشاوندی گویش‌های ایتالیایی را تحلیل کرده و آنها را با ایتالیایی استاندارد مقایسه کرده است. در این تحلیل به حروف تعریف و نشانه ملکی در جایگاه‌های مختلف توجه داشته است و اصطلاحات خویشاوندی که همانند اسم خاص عمل می‌کنند را نیز بررسی کرده است. سگدیوا^۵ و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی اصطلاحات خویشاوندی به‌عنوان گواهی بر روابط خویشاوندی در زبان‌های ترکی،

1. P. Maranda
4. C. Trionfera

2. A. Prasithratsint
5. R. Sagdieva

3. G. Postma

ازبکی، قزاقی، قرقیزی و اویغوری پرداخته‌اند و معتقدند با چنین بررسی می‌توان به تاریخچه گسترش روابط مردم این نواحی پی برد و توصیف جامع‌تری از نظام واژگانی-معنایی این زبان‌های ترکی ارائه داد. ماسی^۱ (۲۰۲۱) ساختار واژی-نحوی اصطلاحات خویشاوندی و واژه‌بست مالکیت را در گویش آردوره سوپریور^۲ ایتالیا بررسی کرده است. وی علاوه بر بررسی طبقه هر یک از اسامی، به بررسی توزیع نحوی واژه‌بست مالکیت در این گویش ایتالیای جنوبی پرداخته است. علاوه بر این، واژه‌های خویشاوندی یکی از حوزه‌های معنایی مورد بررسی در پژوهش‌های گویش سنجی نیز است. به‌عنوان نمونه می‌توان به «بررسی گویش‌شناسی زبان جاوه‌ای» (کارتیکاساری^۳ و همکاران، ۲۰۱۸)؛ «تحلیل گویش سنجی واژگان زبان بربری (آمازیغی)» (لافکیوئی^۴، ۲۰۰۸)؛ «اندازه‌گیری فاصله‌های گویشی در آتاپاسکی» (سنوک^۵ و کاکس^۶، ۲۰۱۳) و... اشاره کرد.

در ایران نیز مطالعاتی از منظر رده‌شناسی و ساختاری در حوزه روابط خویشاوندی انجام شده است. باطنی (۱۹۷۳) اصطلاحات خویشاوندی زبان فارسی را از منظر ساختواژی به دو دسته اصطلاحات پایه و مشتق تقسیم کرده است. پایه که از یک واژه یا از یک واژه به‌همراه حرف تعریف تشکیل می‌شود و مشتق که اغلب از دو واژه یا بیشتر تشکیل شده است که با استفاده از «اضافه» به هم متصل شده‌اند. زاهدی و شمس (۱۳۸۸) واژگان خویشاوندی در دو زبان فارسی و انگلیسی را به‌منظور یافتن رابطه میان الگوهای فکری، فرهنگی و نمودهای زبانی آن‌ها بررسی کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که تفاوت‌های میان واژگان خویشاوندی در دو زبان نشانگر عدم تقارن بیشتر زبان فارسی در تمایزهای جنسیتی است که نشان می‌دهد در فارسی وابستگی زن به مرد و حرمت داشتن حریم زن بیشتر مشهود است. در فارسی نوع روابط از طرف پدری و مادری نیز مهم است ولی در انگلیسی چنین تمایزی را قائل نمی‌شوند. قیطوری، یاسمی و کزازی (۲۰۱۰) واژه‌های خویشاوندی در گونه زبانی کلهری که از گویش‌های کردی جنوبی است را بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که در کلهری ۹ واژه پایه وجود دارد که به‌لحاظ ساختواژی و معناشناختی ریشه بسیاری از واژه‌های خویشاوندی نسبی و سببی هستند. این واژه‌های ریشه شامل معادل پدر، مادر، عمو، دایی، خواهر مادر و خواهر پدر، برادر، خواهر، فرزند پسر و فرزند دختر است. عباسی و کزازی (۱۳۹۲) واژگان خویشاوندی در زبان هورامی گونه شهر پاوه را براساس مفاهیم معنی‌شناسی و انسان‌شناسی بررسی کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که هورامی شامل ۲۷ واژه نسبی، ۱۸ واژه سببی، ۹ واژه ناتنی و ۹ واژه خویشاوندی جمعی است. استاجی (۱۳۹۴) اصطلاحات خویشاوندی زبان فارسی را از منظر رده‌شناختی و تاریخی بررسی و نتیجه‌گیری کرده است که اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی با همگانی‌های

1. S. Masi

4. M. B. Lafkioui

2. Ardore Superiore

5. C. Snoek

3. E. Kartikasari

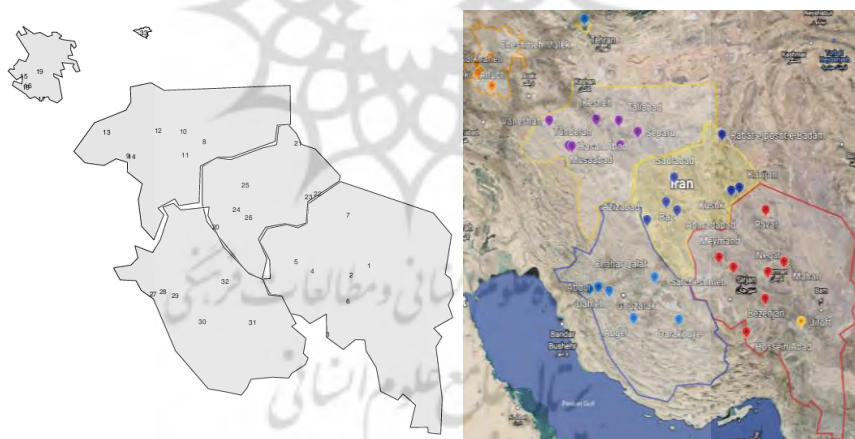
6. C. Cox

گرینبرگی مطابقت دارد و اصطلاحات مربوط به یک خانواده هسته‌ای شامل پدر، مادر، خواهر، برادر، دختر، پسر، زن و شوهر از دوره باستان به امروز رسیده است؛ اما اصطلاحات مربوط به عمه، عمو، خاله، دایی از عربی و ترکی وام‌گیری شده‌اند. منصوری و رحمانی (۱۳۹۴) اصطلاحات و واژگان خویشاوندی را در بیش از پنجاه گویش از سراسر ایران بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که اکثر گویش‌ها از الگوی یکسانی پیروی می‌کنند. در تمامی گویش‌ها، خویشاوندان درجه اول (پدر، مادر، خواهر، برادر) واژگان ساده‌ای را به خود اختصاص داده‌اند و سایر خویشاوندان براساس نقش و اهمیت دارای واژگانی ساده یا ترکیبی هستند. امینی (۱۳۹۹) کاربرد اصطلاحات خویشاوندی و خطاب‌واژه‌های گویش ننجی که زبان مردم روستای ننج شهرستان ملایر است را از منظر خویشاوندان نسبی، خویشاوندان سببی، خویشاوندان رضاعی و خویشاوندان ناشی از عقد اخوت و خطاب‌واژه‌های مربوط به غیرخویشاوندان بررسی و تحلیل کرده و نتیجه گرفته است که اصطلاحات خویشاوندی و خطاب‌واژه‌های این گویش بسیار متنوع و غنی است. با وجود این، شمار زیادی از این اصطلاحات با اصطلاحات رایج زبان فارسی جایگزین شده‌اند. وی در بررسی اصطلاحات خویشاوندی معادل عمو، عمه، دایی، خاله نتیجه‌گیری کرده است که این اصطلاحات (omu, doji, ama, xola) به‌لحاظ تلفظی در حال همسان‌شدن کامل با هم‌ارزهای خود در فارسی معیار هستند.

در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار گویش‌سنجی شباهت‌ها و تفاوت‌های اصطلاحات خویشاوندی در ۵ استان غالباً فارسی‌زبان با یکدیگر و با فارسی معیار تحلیل شده‌اند. داده‌های پژوهش از منابع موجود در این زمینه استخراج شده است. نمونه‌های گویشی استان‌های یزد و همدان برگرفته از طرح ملی گویش‌شناسی ایران، استان‌های یزد و همدان (رستم‌بیک تفرشی، ۱۳۸۲) و گویش میبدی (کارگر شورکی، ۱۳۸۵)؛ نمونه‌های گویشی استان فارس برگرفته از طرح ملی گویش‌شناسی ایران استان‌های فارس و هرمزگان (خانجانی، ۱۳۸۲) و گنجینه گویش‌شناسی فارس (سلامی، ۱۳۸۳)؛ نمونه‌های گویشی استان‌های کرمان و اصفهان برگرفته از طرح ملی گویش‌شناسی ایران، استان‌های کرمان و اصفهان (مقدم، ۱۳۸۶) است. در تمامی این آثار گردآوری داده به شیوه میدانی و با استفاده از پرسشنامه‌ای شامل واژه‌ها و جملات پایه صورت گرفته است. هدف پژوهش بررسی و تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های تلفظی و واژگانی گونه‌های جغرافیایی مختلف زبان فارسی در اصطلاحات خویشاوندی با استفاده از روش‌های آماری و رایانه‌ای است که نوآوری پژوهش حاضر نیز به‌شمار می‌آید. در این تحلیل، با استفاده از ماتریس فاصله، نقشه‌های چندوجهی و خوشه‌ای و دندروگرام^۱ فاصله‌های گویشی مبتنی بر اصطلاحات خویشاوندی سنجیده می‌شوند و با خوشه‌بندی گونه‌های مورد بررسی، ناحیه‌های گویشی شناسایی می‌گردند.

۲ روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و رایانشی^۱ است. با استفاده از چارچوب تحلیل، اصول و روش‌های گویش‌سنجی، فاصله‌های گویشی و شباهت‌ها و تفاوت‌های میان گونه‌های مختلف زبانی ۳۲ جایگاه در پنج استان غالباً فارسی‌زبان یزد، همدان، کرمان، اصفهان و فارس با یکدیگر و نیز با فارسی معیار بررسی شده‌اند. داده‌های پژوهش شامل ۷۰۴ نمونه (۲۲ اصطلاح خویشاوندی) است که به روابط خویشاوندی نسبی و سببی دلالت می‌کند. اصطلاحات با استفاده از علائم آوانگاری IPA به شیوه‌ای یکدست آوانگاری و سپس با استفاده از نرم‌افزار گب‌مپ^۲ تحلیل و بررسی شده‌اند. این اصطلاحات با توجه به روابط خونی یا روابط حاصل از ازدواج در قالب دو گروه به این شرح طبقه‌بندی شدند: روابط نسبی شامل پدر، مادر، فرزند پسر، فرزند دختر، خواهر، برادر، مادر بزرگ، پدر بزرگ، خاله، عمه، دایی و عمو و روابط سببی شامل زن، شوهر، عروس، زن پدر، زن عمو، زن برادر و پدرزن. جایگاه‌های مورد بررسی (روستا) به تفکیکی هر استان در شکل ۱ و جدول ۱ نمایش داده شده است.



شکل ۱- جایگاه‌های مورد بررسی در استان‌های یزد، همدان، کرمان، اصفهان و شیراز

1. computational method
2. Gabmap

جدول ۱- جایگاه‌های مورد بررسی به تفکیک استان

استان	شهرستان	روستا	لاتین
یزد	ابركوه	عزیزآباد	Azizabad
یزد	اردكان	رباط پشت بادام	Rabat-e posht-e-Badam
یزد	بهباد	كویجان	Kavijan
یزد	بافق	كوشك	Kushk
یزد	تفت	باز	Baz
یزد	صدوق	صدرآباد	Sadrabad
یزد	مهریز	احمدآباد	Ahmadabad
همدان	اسدآباد	ولی‌آباد	Valiabad
همدان	تویسرکان	کارخانه	Karkhaneh
همدان	ملایر	انوچ	Anuch
همدان	نهادند	عبدالملکی	Abdolmaleki
همدان	همدان	چشمه ملک	CheshmehMalek
کرمان	بردسیر	نگار	Negar
کرمان	جیرفت	حسین‌آباد	Hossein Abad
کرمان	رفسنجان	سرچشمه	Sarcheshmeh
کرمان	شهر بابک	میمند	Meymand
کرمان	بافت	بزنجان	Bezenjan
کرمان	راور	راور	Ravar
کرمان	کرمان	ماهان	Mahan
اصفهان	نابین	سیرو	Separu
اصفهان	اصفهان	حسن‌آباد	Hasan Abad
اصفهان	اردستان	تل‌آباد	Tallabad
اصفهان	شهرضا	موسی‌آباد	Musaabad
اصفهان	نطنز	کشه	Kesheh
اصفهان	گلپایگان	وانشان	Vaneshan
اصفهان	تیران	تندران	Tunderan
فارس	فیروزآباد	آبگل	Abgel
فارس	کازرون	دهله	Dahleh
فارس	کازرون	عبدوئی	Abdui
فارس	فسا	داراکویه	Darakouye
فارس	شیراز	گوزرک	Gouzarak
فارس	ارسنجان	چهارقلات	ChaharQalat

انتخاب جایگاه‌های مختلف به صورت تصادفی نظام‌مند در هر شهرستان صورت گرفته است و

کاربرد این اصطلاحات در جایگاه‌های مختلف به لحاظ کمی و کیفی بررسی شده‌اند. لازم به ذکر است که این فهرست، همه روابط خویشاوندی را دربر نمی‌گیرد؛ به‌عنوان نمونه رابطه هوو یا نوه و مادر بزرگ ... در این ۲۲ اصطلاح دیده نمی‌شود و تنها اصطلاحاتی وارد تحلیل شده‌اند که در همه منابع در دسترس، وجود داشته و مشترک بوده‌اند. گردآوری داده در منابع مورد استفاده در این مقاله به صورت میدانی صورت گرفته بوده است. در تحلیل کمی به تنوع تلفظی هر اصطلاح و بررسی فراوانی هر صورت تلفظی یا واژگانی توجه شده است. در تحلیل کیفی، به تفاوت‌های آوایی و ریشه‌شناسی اصطلاحات خویشاوندی و نیز خوشه‌بندی و نمایش شباهت‌ها و تفاوت‌ها پرداخته شده است. بررسی‌های ریشه‌شناختی غالباً بر مبنای سه منبع اصلی حسن دوست (۱۳۸۹)، حسن دوست (۱۳۹۳) و مکنزی (۱۳۷۳) صورت گرفته است.

۳ چارچوب نظری

پژوهش حاضر بر مبنای روش‌های رایج در گویش‌سنجی^۱ برای بررسی و تحلیل میزان شباهت و تفاوت اصطلاحات خویشاوندی در گونه‌های جغرافیایی مختلف زبان فارسی صورت گرفته است. روش‌های رایج در مطالعات گویشی را می‌توان به سه دسته روش‌های سنتی^۲، ادراکی^۳ و گویش‌سنجی یا آماری تقسیم کرد. در روش‌های سنتی تمرکز بر گردآوری داده‌های منسجم زبانی و توصیف آنها و تهیه اطلس‌های زبانی است. در این روش‌ها غالباً داده زبانی طی پیمایش‌های گویشی گردآوری می‌شود و پراکندگی و تنوع ویژگی‌های زبانی در غالب انواع اطلس‌های واژگانی یا دستوری نمایش داده می‌شود. در روش‌های ادراکی، تمرکز بر برداشت و ادراک و نظر گویشوران زبان‌ها، گویش‌ها و گونه‌های زبانی مختلف از ارزش، اهمیت، کاربرد یا شباهت و تفاوت بین گونه زبانی مورد استفاده خودشان و گونه‌های زبانی دیگر است. به این منظور، معمولاً از پرسش‌نامه‌های جامعه‌شناسی زبان یا از نقشه‌های ادراکی استفاده می‌شود. در نوع سوم تحلیل که در پی کارآمدن رایانه‌های شخصی و گسترش کاربرد روش‌های رایانشی رواج یافته است از محاسبات آماری برای ارائه تحلیل‌های جامع و سنجش میزان شباهت یا تفاوت گونه‌های زبانی استفاده می‌شود. به تعریف بیسانگ^۴ (۲۰۰۴: ۱۷) یکی از روش‌های اصلی نشان‌دادن الگوهای توزیع جغرافیایی متغیرها روش‌های رایانشی است که تا حد زیادی وابسته به محاسبات کمی است. به عبارتی، در این روش‌ها از شیوه‌های محاسباتی و آماری مناسب استفاده می‌شود.

گویش‌سنجی یا فاصله‌سنجی گویشی توسط سگای^۵ (۱۹۷۳) در جلد ششم اطلس زبانی

1. dialectometry

2. traditional

3. perceptual

4. W. Bisang

۵. J. Séguy

گسکونیا^۱ معرفی شد. به تعبیر گو بل^۲ (۲۰۱۰: ۶۴) هدف اصلی و اولیه در گویش سنجی، کشف و تفسیر کمی و ترکیبی داده‌های اطلس‌های زبانی یا مجموعه‌های مشابهی از داده‌ها است. نربون^۳ و کرچمار^۴ (۲۰۰۳: ۲۴۵) رابطه بین گویش‌شناسی و گویش‌سنجی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «گویش‌شناسی مطالعه گویش‌ها و گویش‌سنجی اندازه‌گیری تفاوت‌های گویشی است، البته تفاوت‌هایی که توزیعشان عمدتاً جغرافیایی است». با استفاده از این روش امکان مقایسه بین گونه‌های زبانی بر مبنای مجموعه‌ای از مشخصه‌های زبانی فراهم می‌شود و ناحیه‌ها و جزیره‌های گویشی شناسایی می‌شوند. با این شیوه به خوبی می‌توان پیوستارهای گویشی را نمایش داد (نگاه کنید به هیرینگا^۵ و نربون (۲۰۰۲)). فنون رایانه‌ای در واقع ابزار تحلیل داده‌های بیشتر به‌شيوه‌های کنترل‌شده هستند. همان‌طور که نربون (۲۰۰۶: ۴۶۳) بیان کرده است، روش‌های تحلیل تجمعی^۶ در گویش‌سنجی به سرعت در حال توسعه هستند، ولی هنوز درباره استخراج ساختار زبانی از مقایسه‌های تجمعی، توافق کلی حاصل نشده است. گویش‌سنجی بر مبنای مجموعه‌ای از مشخصه‌ها، ماتریس‌های فاصله را ارائه می‌دهد که بر مبنای آنها می‌توان برای هر جفت جایگاه (سایت) فاصله گویشی را محاسبه کرد (نربون و همکاران، ۲۰۰۸؛ نقل در رستم‌بیک تفرشی، ۱۴۰۰). یکی از نرم‌افزارهایی که برای بررسی و کاوش در گویش‌شناسی کمی یا گویش‌سنجی تهیه شده است، گب‌مپ است که یک برنامه کاربردی وب است و داده‌های گویشی را از جنبه‌های مختلف با استفاده از هیستوگرام و اندازه‌گیری فاصله‌های تلفظی و نقشه‌های رنگی مقیاس چندوجهی به تصویر می‌کشد (نربون و همکاران، ۲۰۱۱: ۶۵). در این پژوهش از گب‌مپ برای تحلیل استفاده شده است. به این منظور، از هم‌ترازی آوایی^۷ و الگوریتم استفاده می‌شود. معادل‌های آوانگاری شده در گونه‌های مختلف با یکدیگر مقایسه و میزان تفاوت آنها در آواها محاسبه می‌شود. از مجموع تفاوت‌های میزان و شباهت و تفاوت کلی بین گونه‌های زبانی مختلف تعیین می‌شود. مطابق جدول ۲ که نمونه‌ای از جدول‌های هم‌ترازی را نشان می‌دهد، تلفظ واژه برادر در فارسی معیار و روستای ولی‌آباد همدان ۳ نمره با هم اختلاف دارند.

جدول ۲- نمونه جدول هم‌ترازی (فارسی معیار و ولی‌آباد)

b	a	r	v	d	a	r	
b	e	r	v			r	
	۱			۱	۱		۳

standard Persian — Valiabad

- | | | |
|-----------------------|----------------|----------------|
| 1. Gascogne | 2. H. Goebel | 3. J. Nerbonne |
| 4. W. Kretschmar | ۵. W. Heeringa | 6. cumulative |
| 7. phonetic alignment | | |

۴ یافته‌ها

بررسی صورت‌های مختلف تلفظی یا واژگانی معادل اصطلاحات خویشاوندی در جایگاه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که تنوع در برخی از اصطلاحات بیشتر است. به عبارتی گونه‌های مختلف زبان فارسی صورت‌های تلفظی یا واژگانی متفاوتی برای اشاره به آن رابطه خویشاوندی دارند. در این بخش ابتدا این اصطلاحات فهرست و به لحاظ ساختاری توصیف می‌شوند. سپس میزان شباهت و تفاوت گونه‌های زبانی مختلف در این حوزه با استفاده از روش‌های آماری و نقشه‌های زبانی نمایش داده می‌شود.

۴-۱ اصطلاحات خویشاوندی در گونه‌های زبان فارسی

در این پژوهش، اصطلاحات خویشاوندی در دو دسته اصطلاحات مربوط به روابط نسبی (خونی) و روابط سببی در پنج استان بررسی شد. در دسته اصطلاحات نسبی به ترتیب، مادر، پدر، خواهر، برادر، دختر، پسر، خاله، دایی، عمه، عمو، پدربزرگ و پدیره (فرزند) شرح داده می‌شوند. در دسته اصطلاحات سببی به ترتیب اصطلاحات خویشاوندی زن، شوهر، زن پدر، زن برادر، شوهر خواهر، زن عمو، پدربزرگ، عروس و داماد در استان‌های یزد، همدان، کرمان، اصفهان و فارس بررسی شده‌اند. در استان یزد رابطه خویشاوندی مادر^۱ در هفت روستای مورد بررسی ۴ صورت واژگانی و تلفظی دارد: *nanow*, *mame*, *nena* (۳ روستا)، *mōmō*, *mōmōyī*. همان‌طور که مشاهده می‌شود، به لحاظ واژگانی در اصل دو واژه پایه مامان و ننه استفاده می‌شود که صورت‌های تلفظی‌شان در نواحی مختلف متفاوت است. در استان همدان در پنج روستای مورد بررسی ۴ صورت تلفظی و واژگانی مختلف به کار می‌رود که از سه واژه پایه مادر، ننه و دا^۲ در روستای عبدالملکی شهرستان نهاوند شکل گرفته‌اند: *nana* (۲ روستا)، *mōdar*, *dowd*, *nena*. در استان کرمان، در هفت جایگاه مورد بررسی، ۴ صورت متفاوت استفاده شده است. ۶ اصطلاح صورت‌های تلفظی یک واژه هستند: *nane* (۳ روستا)، *naney* (۲ روستا)، *nene* و یک صورت به لحاظ واژگانی متفاوت است: *moʔe*. در استان اصفهان، در ۷ روستای مورد بررسی، دو واژه به کار می‌رود: *mōdar* (۴ روستا) و *nane* (۳ روستا). در ۶ جایگاه مورد بررسی در استان فارس ۴ اصطلاح رواج دارد: *deyi* (۲ روستا)، *nana*, *da:ni* (۲ روستا)، *dey*. در حالی که صورت‌های تلفظی متفاوت معادل واژه مادر در استان‌های یزد، همدان، کرمان و اصفهان صورت‌های تلفظی متفاوت واژه‌های ننه، و مادر در فارسی معیار است، در استان‌های همدان و فارس با واژه‌هایی روبه‌رو می‌شویم که شاید صورت تلفظی واژه

۱. پهلوی: *mādar* و *mād* (مکنزی، ۱۳۷۳)؛ اوستایی: *mārar* (حسن دوست، ۱۳۸۹: ۵۰۱).

۲. دا و دالکه در گویش لکی برخی گونه‌های کردی و لری به معنی مادر است.

دایه^۱ باشد: da:ni، down و dey. ننه^۲ به‌باور سعدی نژاد (۲۰۱۹) از الهه‌های بلخ و تمدن سغد بوده است که او را با باروری و خرد مرتبط می‌دانستند. رابطه خویشاوندی پدر^۳ در استان یزد با صورت piyər، bbbow (۲ روستا) و bbb (۳ روستا) بیان می‌شود که با واژه‌های بابا و پدر در فارسی معیار هم‌ریشه‌اند. در استان همدان سه اصطلاح برای اشاره به پدر به‌کار رفته است: bowa (۳ روستا)، bo?ok و ?abelə. در استان کرمان سه اصطلاح به‌کار رفته است که پرکاربردترینشان bbb (۴ روستا) است؛ pedar (۲ روستا) و bə?u?e نیز از دیگر اصطلاحات رایج در این استان است. در استان اصفهان چهار اصطلاح رواج دارد: ?əgə (۲ روستا)، pedar (۲ روستا)، pu?ə، piyə. در استان فارس سه اصطلاح رواج دارد که همه صورت‌های تلفظی مختلف بابا هستند: bovə (۳ روستا)، bovə (۲ روستا)، buvəf.

رابطه خویشاوندی خواهر^۵ در هفت روستای استان یزد با استفاده از اصطلاح خویشاوندی که متعلق به سه واحد واژگانی آبیجی^۶، دده^۷ و خواهر هستند، بیان می‌شود: dadow (۴ روستا)، dade، ?əbdʒi، xə:r. در استان همدان این واژه با صورت‌های تلفظی مختلف واژه خواهر بیان می‌شود: xu?ar (۲ روستا)، xu?ər (۲ روستا)، xəhar. در استان کرمان از اصطلاح xər (۳ روستا)، xu?ah، dedey، dədey استفاده می‌شود که صورت‌های تلفظی مختلف خواهر و دده هستند. در استان اصفهان از صورت‌های مختلف تلفظی خواهر xəhar، xəh، xə:r و صورت‌های مختلف تلفظی دده شامل dada، dədə، dedə، dedə استفاده می‌شود. در استان فارس صورت‌های تلفظی مختلف کلمه دده رایج است: dada (۲ روستا)، dadəf، dədə، daða (۲ روستا).

رابطه خویشاوندی برادر^۸ در گونه‌های زبان فارسی با صورت‌های تلفظی مختلف واژه‌های کاکا و برادر است. بَنَسِل^۹ و اِتَنگ^{۱۰} (۲۰۰۲) kaka را به‌عنوان یک ریشه جهانی معرفی کرده‌اند که در زبان‌های اوراسیا^{۱۱}، استرالیا و اقیانوسیه، آفریقا و آمریکای کاربرد دارد. در استان یزد رابطه خویشاوندی برادر با kəkow (۳ روستا)، kəkə (۲ روستا)، berədar و berəder بیان می‌شود. در استان همدان، صورت‌های تلفظی مختلف واژه برادر به‌کار می‌رود: berədar (۴ روستا) و berədar.

۱. شاید مرتبط باشد با dāyag در زبان پهلوی.

2. nana

۳. پهلوی: pidar، pit و اوستایی: pitar و patar (حسن‌دوست، ۱۳۸۹: ۴۹۹).

۴. آقا از زبان مغولی وارد زبان فارسی شده است.

۵. در زبان پهلوی: xwāh و xwāhar.

۶. در زبان ترکی: آغاباجی به معنی خواهر.

۷. دده در زبان ترکی به معنی دایه (فرهنگ معین).

۸. در زبان پهلوی: brād و brādar: در اوستایی: brārar

9. P. J. Bancel

10. A. M. de l'Etang

11. Eurasia

استان کرمان $k\bar{d}k\bar{d}$ (۲ روستا)، $k\bar{d}k\bar{e}w$ ، $ber\bar{n}r$ ، $ber\bar{n}d\bar{a}r$ (۲ روستا) و $ber\bar{n}d\bar{e}r$. در استان اصفهان تنوع واژگانی بیشتر است و $k\bar{d}k\bar{d}$ (۲ روستا)، $d\bar{o}f\bar{i}$ ، $bar\bar{n}d\bar{a}r$ ، $Ge\bar{z}u$ و $d\bar{a}d\bar{e}$ استفاده می‌شود. در استان فارس این رابطه خویشاوندی در تمامی روستاهای مورد بررسی با $k\bar{d}k\bar{d}$ بیان می‌شود.

رابطه خویشاوندی دختر^۱ در استان یزد با دو صورت $doxtar$ و $doxtaro$ بیان می‌شود. در استان همدان $doxter$ (۲ روستا)، dod ، $doxtar$ و $do\bar{z}ar$ به‌کار می‌روند. در استان کرمان $doxtar$ (۳ روستا)، $doxter$ ، $doxteru$ و $doht$ کاربرد دارند. در استان اصفهان $doxtar$ (۳ روستا)، $doti$ ، $dota$ ، $dotte$ ، $dora$ ، $doxtaru$ ، $doxtar$ (۲ روستا)، $dotar$ و dut به‌کار می‌روند.

برای اشاره به پسر^۲ در استان یزد از صورت‌های تلفظی مختلف پسر استفاده می‌شود: $pesar$ (۲ روستا)، $posar$ (۴ روستا) و $posarok$. در استان همدان در تمامی روستاهای مورد بررسی از kor ^۳ استفاده شده است. در استان کرمان از $\bar{f}j\bar{o}k$ ، $y\bar{d}r\bar{u}$ (۲ روستا) و $pesar$ (۳ روستا) استفاده می‌شود. در استان اصفهان از $pesar$ (۲ روستا)، $\bar{p}ure$ ، $\bar{p}ore$ ، pir ، $\bar{p}ora$ و kor استفاده می‌شود. در استان فارس از این صورت‌ها استفاده می‌شود: $bat\bar{f}j\bar{e}$ (۲ روستا)، pos (۲ روستا) و $bat\bar{f}ek$.

رابطه خویشاوندی خواهرِ مادر (خاله) در استان یزد با اصطلاح $x\bar{d}le$ بیان می‌شود. در استان همدان از اصطلاح $x\bar{d}la$ (۴ روستا) و $x\bar{d}le$ ، در استان کرمان از $x\bar{d}le$ (۵ روستا)، $x\bar{o}\bar{z}e$ و $x\bar{d}lew$ استفاده می‌شود. در استان اصفهان $\bar{z}le$ ، $x\bar{d}le$ (۳ روستا)، $x\bar{d}la$ ، $x\bar{d}let\bar{f}i$ ، $goti$ و در استان فارس $x\bar{d}le$ و $x\bar{d}la$ (۵ روستا) رواج دارند.

رابطه خویشاوندی برادرِ مادر (دایی) در استان یزد با استفاده از $d\bar{o}y\bar{i}$ ، $d\bar{o}y\bar{i}$ (۴ روستا)، $x\bar{d}lu$ (۲ روستا) نشان داده می‌شود؛ در استان همدان از اصطلاحات $x\bar{d}lu$ ، $h\bar{o}lu$ و $d\bar{o}y\bar{i}$ (۲ روستا) و $d\bar{o}y\bar{i}$ استفاده می‌شود؛ در استان کرمان $x\bar{d}lu$ (۲ روستا) و $d\bar{o}\bar{z}i$ (۵ روستا) کاربرد دارد؛ در استان اصفهان از $d\bar{o}\bar{z}i$ (۴ روستا)، $d\bar{o}\bar{z}i\bar{f}i$ ، $x\bar{d}lu$ و $h\bar{o}lu$ و در استان فارس از $\bar{z}lu$ (۲ روستا)، $x\bar{d}lu$ ، $d\bar{o}\bar{z}i$ و $d\bar{i}f$ استفاده می‌شود.

رابطه خویشاوندی خواهرِ پدر^۵ (عمه) در استان یزد با استفاده از $\bar{z}amme$ ، در استان همدان با

۱. در زبان پهلوی: $duxtar$ ؛ در اوستایی: $kain\bar{n}$ ؛ در پارسی: $knyg$.

۲. در زبان پهلوی: $frazand$ و $pus(ar)$ ؛ در اوستایی: $pu\theta\bar{r}a$ ؛ در پارسی: $pw\bar{h}r$.

۳. ممکن است مربوط باشد به $kurrag$ به معنی کوزه در زبان پهلوی.

۴. پور در اوستا و فارسی باستان پوثره و در سانسکریت پوثره و در پهلوی پوس و پوهر (لغتنامه دهخدا).

۵. $\bar{u}\bar{u}\bar{r}y\bar{a}$ در اوستایی (نقل در حسن دوست، ۱۳۸۹: ۵۲۰).

استفاده از ?amma (۴ روستا) و ?ama ، در استان کرمان با استفاده از ?a:me ، در استان اصفهان به صورت ?amme (۳ روستا)، ?amet?i ، ?a:me (۲ روستا) و kefi و در استان فارس به صورت ?amme (۲ روستا)، ?v:ma (۲ روستا)، ?vma و ?amma نشان داده می‌شود.

برای اشاره به رابطه خویشاوندی برادر پدر^۱ (عمو) در استان یزد از ?omu (۶ روستا) و ?amu (۱ روستا) استفاده می‌شود. در استان همدان ?omu و ?amu (۴ روستا) و در استان کرمان ?amu (۵ روستا) و ?emu و ?omu رواج دارند. در استان اصفهان از ?amu (۳ روستا)، ?omut?i ، ?omu ، ?omu ، ?v:mu و در استان فارس از ?amu (۲ روستا) و ?omu (۲ روستا)، ?v:mu (۲ روستا) استفاده می‌شود.

پدر بزرگ^۲ در استان یزد با استفاده از صورت‌هایی که به لحاظ ساختی بسیط یا غیر بسیط هستند ساخته می‌شود: b?b?bozorg (۲ مورد)، b?b?f? ، b?bd?zun ، ?v?ow ، ?v?b? و ?v?bb? . در استان همدان bowabozorg (۲ روستا)، b?b? (۲ روستا) و bokegur? ^۵ استفاده می‌شود. در استان کرمان از b?f?u (۳ روستا)، b??i ، b??u و b?bd?zun استفاده می‌شود. در استان اصفهان b?b? (۲ روستا)، b?b?d?zun (۲ روستا)، ?v?pp? و b?b? استفاده می‌شود. در استان فارس از ?v?bov? ، ?v?gotu ، ?v?v?y?gotu ، ?v?b? ، ?v?v? و ?v?v?batu استفاده می‌شود.

برای نشان دادن رابطه خویشاوندی بچه^۷ در استان یزد از bat?fa ، bet?fa ، bat?f?e (۳ روستا)، bat?f?ow و bat?f?ok استفاده می‌شود. در استان همدان bat?f?fa (۲ روستا)، bat?f?e ، bat?f?a و mel?l کاربرد دارند. در استان کرمان bat?f?e?u ، bat?f?ew ، bat?f?e ، bat?f?oG و bat?f?ow کاربرد دارند. در استان اصفهان از be:t?e ، bat?f?e ، be:t?fa ، bat?f?e ، be:t?fa ، va:t?fa ، kor و be:t?e استفاده می‌شود. در استان فارس bat?f?fa ، bat?f?e (۲ روستا)، bat?f?o ، bat?f?ek و bat?fa به کار می‌روند.

برای ارجاع به رابطه خویشاوندی زن^۸ (همسر) در استان یزد از صورت‌های مختلف تلفظی واژه زن و در یک روستا از واژه ضعیفه^۹ استفاده می‌شود: zan (۳ روستا)، za ، zanike (۲ روستا) و

۱. در اوستا: ?v?riya .
۲. فارسی میانه: ?v?y?k ؛ اوستایی: ?v?y?ka .
۳. در دهخدا به معنی پدر. شاید مربوط باشد به ?v?h در زبان پهلوی (کلمه دیگر به معنی شاه bay است).
۴. در عربی به معنی پدر و جد.
۵. goura در گورانی به معنی بزرگ (نگاه کنید به حسن دوست، ۱۳۸۹: ۹۴۹).
۶. got ، gohor و gut در بسیاری از گویش‌ها به معنی بزرگ کاربرد دارند.
۷. ?v?p?r?n?y?u ؛ اوستایی: zahag و z?dag ، wa??ag ، r?dag ، rah?g ، frazand ، ?v?rn?y? (مکنزی، ۱۳۷۳)؛ اوستایی: ?v?p?r?n?y?u .
۸. پهلوی: ?v?n ، ?v?n?g ؛ اوستایی: ?v?ni ؛ فارسی میانه: ?v?n و ?v?n?k ؛ پارسی: ?v?n .
۹. قرص‌گیری از زبان عربی، مؤنث ضعیف.

zan, zeyfe استفاده می‌شود. در استان همدان zan, zen (۴ روستا) و در استان کرمان zan, zeyfe (۳ روستا)، zenke و payl رواج دارند. در استان اصفهان zan (۴ روستا)، zen, dzindzi و zinow و در استان فارس zan, za?ife (۳ روستا)، zi و zanom به کار می‌روند.

رابطه خویشاوندی شوهر^۱ در استان یزد از fu?ar (۶ روستا) و fuhar و در استان همدان از صورت‌های تلفظی مختلف واژه شوهر و واژه میر^۲ استفاده می‌شود: fu, fu?ar (۲ روستا)، fohar و mira. در استان کرمان از fu?ar (۴ روستا)، fewhar (۲ روستا) و fu استفاده می‌شود. در استان اصفهان از fohar (۴ استان)، fu, mira, fu?ar و در استان فارس از figar (۲ روستا)، fogar, fu (۲ روستا) و fi استفاده می‌شود.

رابطه خویشاوندی زن پدر در استان یزد با zanb?ow, zanb?ob (۲ روستا)، zane piy?r, nane و nanow استفاده می‌شود. در استان همدان از zanbowa (۲ روستا)، bowazen, zanpedar و zanb?ob استفاده می‌شود. در استان کرمان zene pedar (۲ روستا)، zanb?ob (۳ روستا) و bo?r کاربرد دارند. در استان اصفهان از zanpedar (۲ روستا)، zanpedar (۲ روستا)، dzindzipu?r, dzindzipu?r (۲ روستا) و zan?ob (۲ روستا) استفاده می‌شود. در استان فارس zanb?ob (۲ روستا)، zanbu?r, zanbo?r, zane bo?r و nane کاربرد دارند.

رابطه خویشاوندی زن برادر در استان یزد با کلمه ساده، مرکب و گروه نحوی نشان داده می‌شود: zane bar?dar, zane k?k?w (۲ روستا)، zane ber?dar, zane k?k?, zank?k? و ?rus. در استان همدان zenber?r (۳ روستا)، zane ber?dar و ber?zen رواج دارند. در استان کرمان از ?rus (۳ روستا)، zenkeber?dar, zene k?k?, zene k?k? (۲ روستا) و ?est?l استفاده می‌شود. در استان اصفهان از zane ber?r, zene ber?r, zandade, dzindzi ber?, zane bar?dar و zinge?u, zank?k? (۲ روستا) و در استان فارس از zene k?k?, zane k?k? و zank?k? (۴ روستا) استفاده می‌شود.

رابطه خویشاوندی شوهر خواهر در استان یزد با صورت‌های زبانی fu?are x?ar, fohare dadow, fu?arx?ar (۲ روستا) و fu?arx?ar استفاده می‌شود. در دو صورت زبانی از گروه نحوی استفاده شده است، یعنی شوهر و خواهر با استفاده از اضافه به هم متصل شده‌اند. در دو صورت نیز از کلمه مرکب استفاده شده است. در برخی روستاها نیز از واژه بسیط داماد استفاده شده است. همین الگو در جایگاه‌های دیگر مورد بررسی نیز مشاهده می‌شود. در استان همدان از صورت‌های تلفظی مختلف داماد در سه روستا استفاده شده است: domm?r, d?m?d, dum?d و fu?are xu?r و foharx?ar استفاده شده است. در استان کرمان dum?d, d?m?d

۱. فارسی میانه: mērag و šōyg؛ اوستایی: pati.

۲. قرض گرفته شده از عربی (امیر)

اصطلاحات در جایگاه‌های مختلف محاسبه شد. نتایج این بررسی به شرح زیر در جدول‌های ۳ و ۴ نمایش داده شده است.

جدول ۳ - تنوع واژگانی و پربسامدترین صورت‌های زبانی روابط خویشاوندی نسبی

خویشاوندی	تنوع واژگانی	پربسامدترین	بسامد	خویشاوندی	تنوع واژگانی	پربسامدترین	بسامد
مادر	۱۵	mɔdar	۶	خاله	۷	xɔle	۱۷
		nane	۶			xɔla	۱۱
پدر	۱۶	nana	۴	دایی	۱۰	ɔɔʔi	۹
		bɔbɔ	۸			xɔlu	۷
		pedar	۴			ɔɔyi	۶
خواهر	۱۷	dadow	۴	عمه	۸	ʔamma	۱۴
		xɔr	۳			ʔa:me	۹
		dade	۳	عمو	۷	ʔamu	۱۶
		dada	۳			ʔomu	۱۱
		xɔhar	۳			bɔbɔ	۵
برادر	۱۳	kɔkɔ	۱۲	پدربزرگ	۲۲	bɔfu	۳
		berɔr	۵			batʃʃe	۹
دختر	۱۶	doxtar	۱۵	بچه	۱۸	batʃʃa	۳
		doxter	۳			batʃʃa	۳
پسر	۱۵	pesar	۸				
		kor	۶				
		posar	۴				

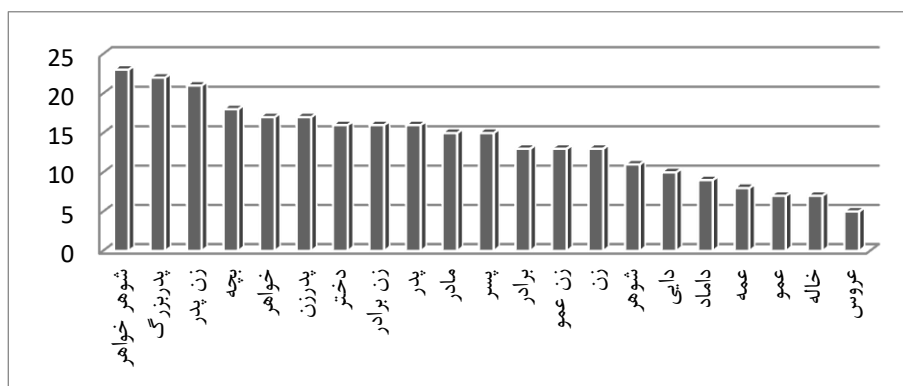
از میان اصطلاحات خویشاوندی نسبی، تنوع در اصطلاحاتی که برای ارجاع به پدربزرگ استفاده می‌شود، بیشتر است (۲۳ صورت تلفظی یا واژگانی متفاوت در ۳۲ جایگاه). کمترین تنوع در اصطلاحات خاله، عمو، عمه و دایی دیده می‌شود که به ترتیب، ۷، ۷، ۸ و ۱۰ صورت زبانی را دربرمی‌گیرد.

تنوع واژگانی در اصطلاحات خویشاوندی سببی نشان می‌دهد که تنوع واژگانی در دو اصطلاح عروس و داماد کمتر از سایر اصطلاحات است. عروس از زبان عربی قرض‌گیری شده و داماد بازمانده فارسی میانه است و هرکدام به ترتیب، ۵ و ۹ صورت متفاوت داشته‌اند. تنوع واژگانی در اصطلاحات شوهر خواهر (۲۳ صورت) و زن پدر (۲۱ صورت) بیشتر است.

جدول ۴- تنوع تلفظی و واژگانی و پربسامدترین صورت زبانی غیرنسبی

بسامد	پربسامدترین	تنوع واژگانی	خویشاوندی	بسامد	پربسامدترین	تنوع واژگانی	خویشاوندی
۱۶	zanʔamu	۱۳	زن عمو	۱۹	zan	۱۳	زن
۴	zenʔamu			۲	zaʔife		
۱۵	pedarzan	۱۷	پدرزن	۲	zanike	۱۱	شوهر
۳	piybrzan			۱۲	ʃuʔar		
۱۶	ʔarus	۵	عروس	۶	ʃohar	۲۱	زن پدر
۱۴	ʔorus			۵	ʃu		
۱۷	dumɒd	۹	داماد	۵	zanbɒbɒ	۱۶	زن برادر
۵	dɒmɒd			۴	zanpedar		
۴	dumɒ			۶	zankɒkɒ		
				۴	ʔorus		
				۸	dumɒd	۲۳	شوهر خواهر
				۲	dɒmɒd		
				۲	ʃoharxɒhar		
				۲	ʃuʔarxɒhar		

همان‌طور که در جدول نشان داده شده است، بیشترین تنوع در اصطلاحاتی دیده می‌شود که از بیش از یک واژه ساخته شده‌اند: پدربزرگ، شوهر خواهر و زن پدر. تنوع واژگانی و تلفظی در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱- تنوع واژگانی و تلفظی در اصطلاحات روابط خویشاوندی نسبی و غیرنسبی

همان‌طور که در نمودار مشهود است، تنوع اصطلاحات در سه رابطه خویشاوندی شوهرخواهر (۲۳)، پدربزرگ (۲۲) و زن‌پدر (۲۱) از سایر اصطلاحات بیشتر است. هر سه این روابط با استفاده از اصطلاحات به‌لحاظ ساختار غیربسیط نشان داده می‌شوند. پدربزرگ در دسته اصطلاحات نسبی و دو مورد دیگر در اصطلاحات سببی قرار دارد. تنوع اصطلاحات در روابط خویشاوندی عروس (۵)، خاله (۷)، عمه (۷) و عمو (۸) کم‌ترین میزان است. هر ۴ اصطلاح از زبان عربی وام‌گیری شده است. توزیع پربسامدترین اصطلاح در اشاره به رابطه شوهر خواهر (dumnd)، پدربزرگ (bobb) و زن پدر (zanbobb) در نقشه ۲ نمایش داده شده است. واژه دایی نیز که به نسبت تنوع واژگانی و تلفظی کمتری را نشان می‌دهد، قرض‌گیری از زبان ترکی است (نگاه کنید به حسن‌دوست، ۱۳۹۳).



شکل ۲- توزیع dumnd (شوهرخواهر)، zanbobb (زن‌پدر)، bobb (پدربزرگ) (از راست به چپ)

همان‌طور که در شکل ۲ دیده می‌شود، پربسامدترین اصطلاح برای اشاره به پدربزرگ در هر ۵ استان مورد بررسی رخداد داشته است؛ در حالی که در مورد اصطلاح داماد این صورت در هیچ‌یک از

روستاهای استان فارس کاربرد نداشته است. پربسامدترین صورت زن‌پدر نیز در روستاهای استان کرمان و یزد کاربرد نداشته است. در شکل ۳ توزیع پربسامدترین اصطلاحات خویشاوندی عروس، خاله، عمه و عمو دیده می‌شود. همان‌طور که شرح داده شد، این اصطلاحات کمترین تنوع را در ناحیه‌های جغرافیایی مورد بررسی نشان می‌دهند.



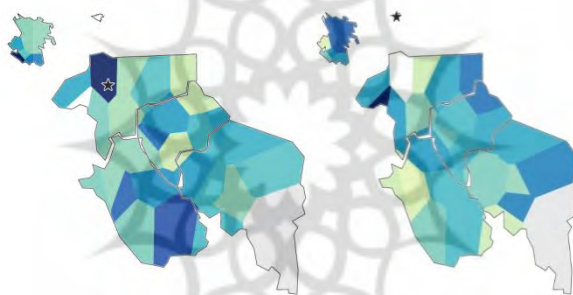
شکل ۳- توزیع ?amu (عمو)، ?amme (عمه)، xole (خاله)، ?arus (عروس) (از راست به چپ)

همان‌طور که در نقشه نیز دیده می‌شود، پربسامدترین صورت هر ۴ اصطلاح مشابه فارسی معیار است. پربسامدترین صورت اصطلاح خاله و عمو در استان کرمان کاربرد ندارند و با فارسی معیار نیز تفاوت دارند. مقایسهٔ مجموع تفاوت‌ها در اصطلاحات خویشاوندی جایگاه‌های مختلف را می‌توان با استفاده از نقشهٔ پرتوی نمایش داد. شکل ۴ میزان تفاوت بین گونه‌های مختلف زبان فارسی بر مبنای اصطلاحات خویشاوندی را نشان می‌دهد. برای نشان دادن میزان تفاوت از طیف رنگ استفاده شده است. خطوط تیره‌تر شباهت بیشتر را نشان می‌دهد. همان‌طور که دیده می‌شود، تجمع خطوط تیره در بخش‌هایی از استان کرمان، یزد و فارس بیشتر است.



شکل ۴- فاصله‌های گویشی بین جایگاه‌های مورد بررسی

به منظور مقایسه میزان شباهت گونه‌های زبان فارسی با فارسی معیار از نقشه‌های نقطه ارجاع^۱ استفاده شده است. شکل ۵، سمت راست میزان شباهت اصطلاحات خویشاوندی را با فارسی معیار (با ستاره مشخص شده است) نشان می‌دهد. همان‌طور که دیده می‌شود، حسن‌آباد در استان اصفهان بیشترین شباهت را با فارسی معیار داشته است. چشمه‌ملک در استان همدان و رباط پشت بادام در استان یزد نیز شباهت بیشتری با گونه فارسی معیار نشان می‌دهند. در عین حال، جایگاه شماره ۱۲ که در نقشه به رنگ سفید دیده می‌شود، به کشه در استان اصفهان تعلق دارد که بیشترین فاصله با فارسی معیار را نشان می‌دهد. سایر جایگاه‌هایی که با رنگ روشن دیده می‌شوند نیز با فارسی معیار تفاوت بیشتری دارند. برای اینکه مشخص شود، کشه که با فارسی معیار تفاوت بسیار زیادی دارد، با کدام گونه‌ها شباهت بیشتری دارد، در نقشه سمت چپ این جایگاه مینا قرار داده شده است و میزان نزدیکی و تفاوت گونه‌های دیگر با آن نشان داده شده است. همان‌طور که دیده می‌شود، این گونه زبانی با عبدالملکی در استان همدان و برخی از گونه‌های استان فارس بیشترین شباهت را دارد. در عین حال، با فارسی معیار و حسن‌آباد بیشترین تفاوت را نشان می‌دهد.



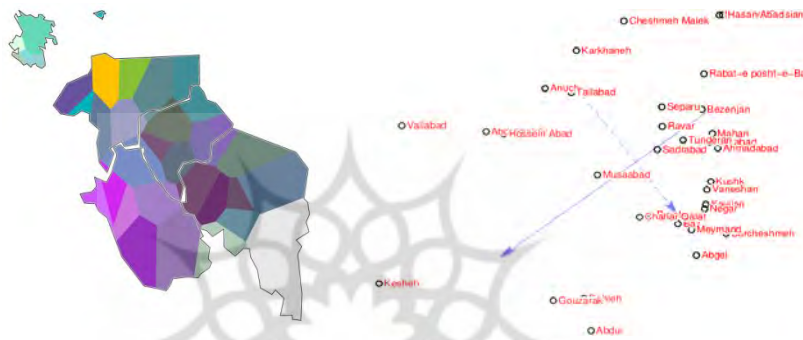
شکل ۵- میزان شباهت گونه‌های زبانی با فارسی معیار (سمت راست) و کشه (سمت چپ)

برای خوشه‌بندی گونه‌های زبان فارسی بدون در نظر گرفتن فاصله و جایگاه جغرافیایی از نمودار و نقشه مقیاس چندوجهی^۲ استفاده شده است (نگاه کنید به شکل ۶). به این منظور، جایگاه‌هایی که به هم شباهت بیشتری دارند نزدیک‌تر به یکدیگر دیده می‌شوند. تجمع چند جایگاه نشان‌دهنده ناحیه‌های گویشی و شباهت بین آنها است. همان‌طور که دیده می‌شود، Kesheh در دورترین نقطه از سایر گونه‌ها قرار دارد. Hasan Abad و فارسی بسیار نزدیک به هم در سمت راست بالا دیده می‌شوند. کشه روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان نطنز است و طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۶۷۵ نفر بوده است. در برخی منابع گردشگری به‌عنوان یکی از روستاهای ناشناخته ایران معرفی شده است.^۳

1. reference point map
2. mds plots (multi-dimensional scaling)

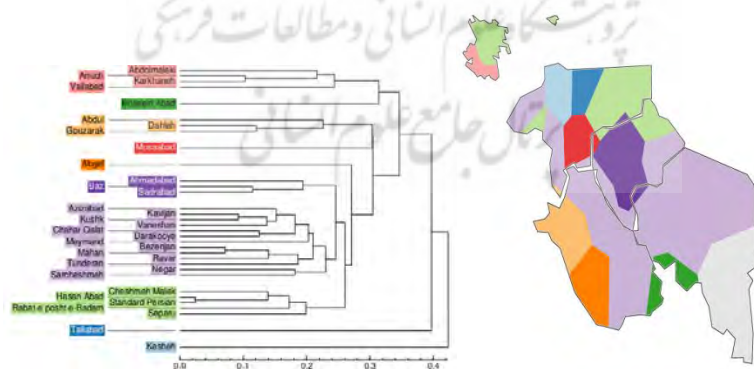
۳. <https://www.zistonline.com/news/80136> /کشه-روستای ناشناخته-ایران

جمعیت محدود و ناشناخته‌بودن روستا ممکن است از دلایل تفاوت گونه‌زبانی مردم این روستا با سایر روستاها باشد. همان‌طور که در نقشه دیده می‌شود، گونه‌های زبانی در استان فارس و در استان همدان شباهت بیشتری را نشان می‌دهند. کویجان در استان یزد با گونه‌های زبانی استان فارس شباهت دارد. در استان کرمان، نگار، سرچشمه و میمند نیز با یکدیگر و نیز با باز در استان یزد شباهت دارند. ماهان در استان کرمان با تندران در استان اصفهان شباهت بیشتری دارد. راور در استان کرمان با صدرآباد در استان یزد و تندران در استان اصفهان شباهت بیشتری دارد. نکته جالب توجه این است که در مواردی با وجود فاصله حداکثری جغرافیایی بین دو ناحیه شاهد شباهت بسیار زیاد زبانی هستیم.



شکل ۶- فاصله‌های گویشی بر مبنای مقیاس چندوجهی

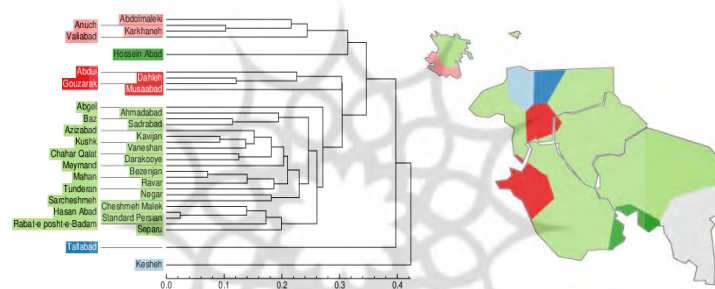
به منظور خوشه‌بندی گونه‌های زبانی فارسی که نشان‌دهنده بیشترین شباهت بین گونه‌ها است، از نقشه‌های گویشی^۱ و دندروگرام استفاده شده است. با هدف پیدا کردن نزدیک‌ترین گونه‌ها به فارسی معیار ابتدا از خوشه‌بندی به ۱۰ گروه استفاده شد (شکل ۷).



شکل ۷- نقشه خوشه‌ای و دندروگرام گونه‌های زبان فارسی

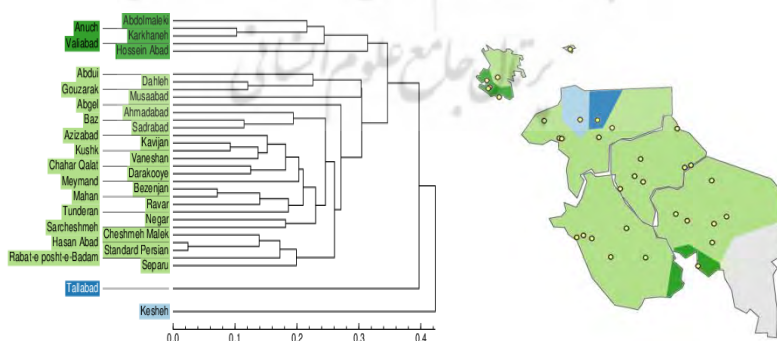
1. cluster map

در این خوشه‌بندی، فارسی معیار با حسن‌آباد در اصفهان و رباط پشت بادام در یزد، چشمه ملک در همدان و سپرو در اصفهان در یک گروه قرار می‌گیرد. با کم کردن تعداد خوشه‌بندی‌ها می‌توان جزیره‌های گویشی یعنی گونه‌های زبانی که با سایر گونه‌ها تفاوت قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهند مشخص کرد. در شکل ۹ خوشه‌بندی بر مبنای ۶ خوشه دیده می‌شود. سه گونه زبانی حسین‌آباد در جیرفت کرمان، تل‌آباد در اردستان و کشه در نطنز اصفهان با هیچ‌یک از گونه‌ها تشکیل خوشه نداده‌اند. موسی‌آباد در اصفهان با سه گونه استان فارس نزدیکی بیشتری دارد و در یک خوشه قرار گرفته است. ۲۲ گونه زبانی شامل همه گونه‌های استان کرمان به جز حسین‌آباد و همه گونه‌های استان یزد و برخی گونه‌های استان اصفهان و فارس و همدان با فارسی معیار در یک خوشه دسته‌بندی شده‌اند.



شکل ۸- خوشه‌بندی گونه‌های زبانی بر مبنای ۶ گروه

با کم کردن تعداد خوشه‌ها به چهار، همان‌طور که در شکل ۹ دیده می‌شود، حسین‌آباد کرمان با گونه‌های همدان تشکیل خوشه می‌دهد ولی تل‌آباد و کشه همچنان در هیچ گروهی دسته‌بندی نمی‌شوند. همه گونه‌های دیگر با یکدیگر در یک خوشه قرار گرفته‌اند.



شکل ۹- خوشه‌بندی بر مبنای ۴ گروه

۵ بحث و نتیجه‌گیری

بررسی ساختاری اصطلاحات نسبی نشان می‌دهد که همانند فارسی معیار، به‌غیر از پدربزرگ سایر روابط خویشاوندی با استفاده از یک کلمه ساده (غیر مرکب) به‌کار می‌رود که ممکن است با یک‌وند نقشی معرفه‌ساز یا ملکی همراه شود. واژه‌های مادر، پدر، دختر، پسر، خواهر و برادر در بسیاری از گونه‌های زبان فارسی ریشه در فارسی میانه دارد. رابطه خویشاوندی پدربزرگ در برخی روستاها با یک کلمه بسیط و در برخی با کلمه مرکب متشکل از صورتی از تلفظ واژه پدر یا بابا به‌همراه یک صفت نشان داده می‌شود. اصطلاحات عروس، خاله، عمه و عمو که از زبان عربی قرض‌گیری شده‌اند، کمترین میزان تنوع را نشان می‌دهند و در اغلب گونه‌های زبانی تلفظ یکسانی دارند که به فارسی معیار نزدیک است. در دسته روابط خویشاوندی سببی، برای اشاره به زن و شوهر، همانند فارسی معیار، از واژه‌های ساده استفاده می‌شود که غالباً صورت‌های مختلف تلفظی واژه‌های زن و شوهر هستند و از فارسی میانه به یادگار مانده‌اند. برای رابطه عروس و داماد نیز مانند فارسی معیار از صورت‌های تلفظی مختلف این دو واژه استفاده می‌شود، عروس از زبان عربی قرض‌گیری شده است و داماد از فارسی میانه به فارسی نو منتقل شده است. سایر روابط سببی مانند زن پدر در برخی روستاها با یک کلمه ساده و در برخی مانند فارسی معیار با استفاده از کلمه مرکب نشان داده شده‌اند اما در مواردی ترتیب دو عنصر متفاوت از فارسی معیار است؛ به‌عنوان نمونه در یک روستای استان همدان جای مضاف و مضاف‌الیه تغییر کرده است و به اصطلاح از اضافه مقلوب استفاده شده است (bowazan). در عین حال، صورت ساختاری دیگری که در میان اصطلاحات غیرساده بیان‌کننده روابط سببی مشاهده می‌شود، گروه نحوی است. یعنی واژه‌بست اضافه در عبارت حفظ شده است؛ مانند، zan-e piydr در استان یزد.

بررسی تفاوت‌های مشاهده‌شده بین گونه‌های مختلف به‌لحاظ آوایی نشان می‌دهد که در برخی از استان‌ها آوایی به‌کار می‌روند که در فارسی معیار کاربرد ندارند. به‌عنوان نمونه در استان یزد از واکه پیشین میانی باز غیرگرد /ε/ استفاده می‌شود. در استان فارس نیز همخوان سایشی بین‌دندانی واک‌دار /ð/ کاربرد دارد. در استان اصفهان نیز آوای /ts/ و /dz/ در برخی نمونه‌ها دیده می‌شوند. در مقایسه با فارسی معیار، گاهی ساختمان هجایی کلمه با حذف یک آوا یا هجا تغییر کرده است. این حذف ممکن است به‌کاهش جبرانی منجر شده یا نشده باشد. حذف در آوای مشدد نیز از موارد پررخداد است. به‌عنوان نمونه، be:tʃa یا xɒ:r be:tʃa و ju?arxɒr. در بسیاری موارد، تفاوت صورت‌های زبانی مختلف در واکه آخر کلمه و بین واکه‌های e, a, o یا در استفاده از واکه مرکب است؛ مانند batʃtʃə, be:tʃe, batʃtʃə, batʃtʃə. در میان واژه، تفاوت در کاربرد /a/ یا /ɒ/ مانند ?a:me و ?ɒ:ma و تفاوت /e/ و /a/ مانند doxtar و doxter فراوانی زیادی دارند. در میان همخوان‌ها بیشترین

تفاوت بین کاربرد /v/ و /w/ و /b/ مانند baba و bowa، کاربرد /h/ و /x/ مانند xalu و halu و بین /y/ و /ʔ/ مانند /dayi/ و /doʔi/ دیده می‌شود. در استان همدان و فارس نیز بین کاربرد /z/ و /ʒ/ تفاوت دیده می‌شود؛ مانند zane kbkd و zanbera.

همان‌طور که در شکل ۶ و ۷ دیده می‌شود، گونه‌های زبانی در استان‌های کرمان و همدان یک‌دست‌تر هستند؛ به‌گونه‌ای که در استان کرمان بیشترین شباهت بین گونه‌های زبانی دیده می‌شود. در عین حال، در مواردی شاهد این هستیم که نزدیک‌ترین گونه زبانی به یک جایگاه، در استان دیگری قرار گرفته است. به عبارتی فاصله جغرافیایی و فاصله زبانی همیشه ارتباط مستقیم با یکدیگر ندارند و مرزهای جغرافیایی و زبانی باهم هم‌پوشانی ندارند. کویجان در استان یزد با گونه‌های زبانی استان فارس شباهت دارد. در استان کرمان، نگار، سرچشمه و میمند نیز با یکدیگر و نیز با باز در استان یزد شباهت بیشتری دارند. ماهان در استان کرمان با تدران در استان اصفهان شباهت بیشتری دارد. راور در استان کرمان با صدرآباد در استان یزد و تدران در استان اصفهان شباهت بیشتری دارد. نمونه‌هایی دیده می‌شود که با وجود فاصله بسیار زیاد جغرافیایی بین دو ناحیه، شاهد شباهت زبانی هستیم. این موضوع در رابطه بین حسین‌آباد در حاشیه جنوب غربی استان کرمان با روستای عبدالملکی در جنوب غربی استان همدان دیده می‌شود. در عین حال، حسن‌آباد اصفهان و چشمه ملک همدان بیشترین شباهت را با فارسی معیار دارند.

همان‌طور که در شکل ۷ دیده می‌شود، به‌منظور مشخص کردن شبیه‌ترین گونه‌ها به یکدیگر، در مرحله اول گروه‌بندی مبتنی بر ۱۰ خوشه انجام شد. در این دسته‌بندی، حسین‌آباد در حیرفت کرمان، موسی‌آباد اصفهان و آبگل فارس با هیچ گونه‌ای به‌طور مستقیم تشکیل خوشه نداده‌اند ولی حسین‌آباد به خوشه گونه‌های استان همدان شامل انوچ، کارخانه، عبدالملکی و ولی‌آباد؛ موسی‌آباد به خوشه استان فارس شامل دهله، گوزرک، عبدوئی و آبگل به خوشه گونه‌های استان کرمان و یزد شباهت بیشتری دارند. اما دو گونه زبانی تل‌آباد و کشه در استان اصفهان نه‌تنها تشکیل خوشه نمی‌دهند بلکه با هیچ یک از خوشه‌ها شباهت ندارند. در استان یزد، روستاهای باز، صدرآباد و احمدآباد با یکدیگر تشکیل یک خوشه داده‌اند که در مرحله بعد به خوشه‌ای که گونه‌های زبانی در استان کرمان، یزد و بخش‌هایی از استان فارس و اصفهان را دربردارد، متصل می‌شود. این خوشه بزرگترین خوشه زبانی است که ۱۳ گونه زبانی در استان‌های کرمان، فارس در مرز کرمان، یزد (در مرز کرمان و فارس) و گونه‌های غربی و جنوب غربی استان اصفهان را شامل می‌شود. در نواحی مرزی بین کرمان، یزد و فارس و اصفهان شاهد پیوستار گویشی هستیم. خوشه زبانی ششم که فارسی معیار نیز در آن قرار می‌گیرد، شامل گونه‌های زبانی حسن‌آباد در استان اصفهان، فارسی معیار، چشمه ملک در استان همدان، رباط پشت بادام در استان یزد و سپرو در استان اصفهان است. با چشم‌پوشی از برخی تفاوت‌ها و کم‌کردن تعداد خوشه‌ها به

عدد ۴ مشخص می‌شود که انوچ، ولی‌آباد، کارخانه، عبدالملکی در استان همدان و حسین‌آباد در استان کرمان تشکیل یک خوشه می‌دهند. تل‌آباد در استان اصفهان همچنان یک خوشه تک‌عضوی و کشه در استان اصفهان نیز به‌تنهایی در خوشه مجزایی قرار می‌گیرند و سایر گونه‌های زبانی یعنی همه گونه‌های زبانی استان فارس و همه گونه‌های زبانی استان یزد و بیشتر گونه‌های زبانی استان کرمان و اصفهان به‌همراه فارسی معیار در یک گروه خوشه‌بندی می‌شوند. به‌منظور دست‌یافتن به تبیینی برای صورت‌هایی که با سایر گونه‌ها تفاوت جالب توجهی داشته‌اند، موقعیت جغرافیایی و پراکندگی زبانی و جمعیت‌شناختی این گونه‌ها در ادامه بحث می‌شود.

پراکندگی زبانی در استان اصفهان بر مبنای اطلس زبانی ایران^۱، شامل بیابانکی، فارسی، فلات مرکزی (شامل راجی)، لری بختیاری، ارمنی و... است. کشه در دهستان طرورود نظنز قرار دارد. گونه زبانی طرورود به طرورود معروف است که از لهجه‌های گویش راجی به‌شمار می‌آید. این گویش از گذشته‌های دور در مناطقی از مرکز ایران، استان‌های قم، مرکزی و اصفهان رواج داشته است و در خطر انقراض قرار دارد (نگاه کنید به اصغری طرورود، ۱۳۹۸). طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، روستای کشه ۶۷۵ نفر جمعیت داشته است. تل‌آباد نیز که در دهستان کچو در شهرستان اردستان قرار دارد، مطابق سرشماری ۱۳۸۵ تنها ۱۸ نفر جمعیت داشته است. در دهستان کچو هنوز آثاری از گویش اردستانی دیده می‌شود که در دسته گویش‌های جنوب شرقی مجموعه گویش‌های فلات مرکزی قرار می‌گیرد (نگاه کنید به ابراهیمی، ۱۳۹۲). جمعیت کم این دو روستا ممکن است باعث کاهش برخورد زبانی^۲ شده باشد و زبان محلی در آنها کمتر تحت تأثیر گونه‌های دیگر و زبان فارسی معیار قرار گرفته باشد. در مورد خوشه گونه‌های زبانی استان همدان، شاید بتوان تنوع قومی و زبانی این استان را دلیل تفاوت گونه‌های این استان با سایر استان‌های مورد بررسی دانست. بر مبنای اطلس زبانی ایران^۳، در شمال استان همدان غالباً گویش‌های ترکی رواج دارند. در بخش غربی و جنوبی لری، لکی، کردی جنوبی، کردی مرکزی و... کاربرد دارند. در عین حال، فارسی نیز در سراسر استان همدان صحبت می‌شود. تنوع زبانی در این ناحیه و تأثیرپذیرفتن گونه‌های زبانی مختلف از یکدیگر احتمالاً از دلایل اصلی قرارگرفتن این گونه‌های زبانی در شاخه جداگانه است. در عین حال، حسین‌آباد در جیرفت کرمان که با گونه‌های زبانی همدان در یک خوشه قرار گرفته است، طبق سرشماری آمار سال ۱۳۸۵ حدود ۱۹ نفر جمعیت داشته است. درصد قابل ملاحظه‌ای از مردم شهرستان جیرفت لر هستند. همچنین، این شهرستان محل سکونت اقوام لک نیز بوده است. احتمال دارد این ویژگی جمعیت‌شناختی جیرفت دلیل شباهت گونه زبانی روستای حسین‌آباد کرمان با

1. <http://iranatlas.net/index.html?module=module.language-distribution.esfahan>
2. language contact
3. <http://iranatlas.net/index.html?module=module.language-distribution.hamadan>

گونه‌های زبانی استان همدان باشد که اقوام لر و لک در آن سکونت دارند. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که بررسی‌های رایانشی می‌تواند حقایق گویشی را نشان دهد که به تقسیم‌بندی، شناسایی و بررسی سابقه تاریخی گونه‌های زبانی کمک می‌کند. این دست پژوهش‌ها می‌تواند ناحیه‌های گویشی یا جزیره‌های گویشی را بر مبنای مقایسه مجموعه‌ای از ویژگی‌ها شناسایی کند.

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی (۱۳۹۲). «بازشناسی و توصیف گویش اردستانی». فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی. س ۳، ش ۱، ۴۴-۱.
- استاجی، اعظم (۱۳۹۴). «بررسی اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی». مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. س ۷، ش ۱۳، ۱۹-۱.
- اصغری طرقی، مؤگن (۱۳۹۸). «دستگاه فعل از لهجه طرقی گویش راجی». فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین. س ۹، ش ۱، ۲۸-۱.
- امینی، رضا (۱۳۹۹). «اصطلاحات خویشاوندی و خطاب‌واژه‌های گویش ننجی». جستارهای زبانی. س ۱۱، ش ۴، ۶۶۷-۶۳۹.
- حسن دوست، محمد (۱۳۸۹). فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۳). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- خانجانی، ژیلا (۱۳۸۲). طرح ملی گویش‌شناسی ایران، استان‌های فارس و هرمزگان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- رستم‌بیک تفرشی، آتوسا (۱۳۸۲). طرح ملی گویش‌شناسی ایران، استان‌های یزد و همدان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- رستم‌بیک تفرشی، آتوسا (۱۴۰۰). اطلس زبانی، گویش سنجی و مستندسازی زبان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زاهدی، کیوان و محمدعلی شمس (۱۳۸۸). «خویشاوندی و جنسیت در خانواده و بازتاب آنها در زبان». خانواده‌پژوهی. س ۵، ش ۱۹، ۳۰۸-۲۸۱.
- سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۳). گنجینه گویش‌شناسی فارس. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- عباسی، بیستون و کریستین کزازی (۱۳۹۲). «بررسی واژگان خویشاوندی هورامی براساس معیارهای موردادک». مطالعه زبان و گویش‌های غرب ایران. س ۱، ش ۲، ۵۵-۳۱.
- کارگر شورکی، محمدعلی (۱۳۸۵). گویش میبیدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مقدم، صفیه (۱۳۸۶). طرح ملی گویش‌شناسی ایران: استان‌های کرمان و اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مکنزی، دیوید نیل (۱۳۷۳). فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمه مهشید میرفخرایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
منصوری، مهرزاد و شفق رحمانی (۱۳۹۴). «نظام واژه‌ها و اصطلاحات خویشاوندی در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. س ۵، ش ۱۰، ۱۷۵-۱۵۷.

- Bancel, P. J., & A. M. de l'Etang (2002). "Tracing the ancestral kinship system: the global etymon KAKA". *Mother Tongue*. 7, 209-258.
- Batani, M. R. (1973). "Kinship terms in Persian". *Anthropological linguistics*. 15(7), 324-327.
- Bisang, W. (2004). "Dialectology and typology-An integrative perspective". *Trends in Linguistics Studies and Monographs*. 153, 11-46.
- Chambers, J. K. & P. Trudgill (eds.) (1998). *Dialectology*. Cambridge University Press.
- Gheitury, A., H. Yasami, & K. Kazzazi (2010). "A note on Kalhori kinship terms". *Iranian Studies*. 43(4), 533-547.
- Goebel, H. (2010). "Dialectometry: theoretical pre-requisites, practical problems, and concrete applications" (mainly with examples draw from the "Atlas linguistique de la France", 1902-1910). *Dialectologia: revista electrònica*. 63-77.
- Heeringa, w., & J. Nerbonne (2002). "Dialect Areas and Dialect Continua". *Language variation and change*. 13, 375-398.
- Jones, W. J. (2011). *German kinship terms (750-1500)*. New York: de Gruyter.
- Kartikasari, E., K. Laksono, D. S. Agusniar, & D. Y. Suryarini (2018). "A Study of Dialectology on Javanese" Ngoko" in Banyuwangi, Surabaya, Magetan, and Solo". *Humaniora*. 30(2), 128.
- Lafkioui, M. B. (2008). "Dialectometry analyses of Berber lexis". *Folia Orientalia*. 44, 71-88.
- Maranda, P. (1974). *French Kinship*. De Gruyter Mouton.
- Masi, S. (2021). "The Morphosyntax of kinship terms and enclitic possessive constructions in the dialect of ArdoreSuperiore". *Western Papers in Linguistics*. 4(1), 1-44.
- Nerbonne, J., & W. Kretzschmar (2003). "Introducing computational techniques in dialectometry". *Computers and the Humanities*. 37(3), 245-255.
- Nerbonne, J. (2006). "Identifying linguistic structure in aggregate comparison". *Literary and Linguistic Computing*. 21(4), 463-475.
- Nerbonne, J., P. Kleiweg, & F. Manni (2008). "Projecting dialect differences to geography: bootstrapping clustering vs. clustering with noise". *Data Analysis, Machine Learning, and Applications. Proceedings of the 31st Annual Meeting of the German Classification Society*. C. Preisach, L. Schmidt-Thieme, H. Burkhardt, 7 R. Decker, (eds.), Berlin: Springer.
- Nerbonne, J., R. Colen, C. Gooskens, P. Kleiweg, & T. Leinonen (2011). "Gabmap-a web application for dialectology". *Dialectologia: revista electrònica*. 65-89.
- Postma, G. (2017). "Possessor truncation in kinship terms in Dutch dialects". *TaalenTongval*. 69(2), 159-194.

- Prasithratsint, A. (2001). "A componential analysis of kinship terms in Thai". *Essays in Tai linguistics*. 261-275.
- Saadi-nejad, M. (2019). "The Goddess Nana and the Kušan Empire: Mesopotamian and Iranian Traces". *Acta Via Serica*, 4(2), 129-140.
- Sagdieva, R., D. Husnutdinov, R. Mirzagitov, & R. Galiullin (2019). "Kinship terms as proof of genetic relationship". *Journal of Social Studies Education Research*. 10(3), 103-117.
- Séguy, J. (1973). "La dialectométrie dans l'atlas linguistique de Gascogne". *Revue de Linguistique Romane*. 37, 1-24.
- Snoek, C., & C. Cox (2013). "Measuring linguistic distance in Athapaskan". *Annual Meeting of the Berkeley Linguistics Society*. Vol. 39, No. 1, 245-258.
- Trionfera, C. (2018). *The morphosyntax of kinship terms in Italian dialects* (Bachelor's thesis, Università Ca' Foscari Venezia).
- Wardhaugh, R. (2005). *An Introduction to Sociolinguistics*. 5th ed, Blackwell Textbooks in Linguistics.

